



بیانات در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور در آستانه‌ی میلاد باسعادت حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - 30 / فروردین / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم

اولا به خانمها خوشامد عرض میکنم، و تبریک عرض میکنم میلاد مسعود فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را، و هفته‌ی زن و روز تکریم مادر را. همان‌طور که فرمودند، (۱) اقتران این مناسبت اجتماعی و مهم کشور با ولادت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - بخصوص امسال که دوبار در اوّل و آخر سال مردم ما به یاد آن بزرگوار می‌افتند و مجالسی برپا میکنند - یک فرصتی است برای فهمیدن و رهنمود گرفتن از زندگی آن بزرگوار.

اولا مقامات معنوی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در شمار برترین مقامات معنوی آحاد معدودی از بشریت است. ایشان معصومند؛ عصمت، ویژه‌ی معدودی از برگزیدگان الهی در میان آحاد بشر است؛ و این بزرگوار - فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) - از آن جمله است، با توجه به این واقعیت که این زن مسلمان و مجاهد فی سبیل الله تنها حدود بیست سال - حالا با اختلاف روایات از هجده سال تا بیست و پنج سال - ستشان بوده؛ زن جوان دارای این مرتبه‌ی عالی از معنویت که در ردیف اولیا و پیامبران و مانند اینها قرار میگیرد و از سوی فرستادگان الهی "سیده‌ی نساء العالمین" نام میگیرد. در کنار این مقام معنوی برون‌خاسته و کارکردهای مهم در زندگی شخصی این بانوی بزرگوار هر کدام یک درس است. تقوای او، عفت و طهارت او، مجاهدت او، شوهرداری او، فرزندداری او، سیاست‌فهمی او، حضور او در مهم‌ترین عرصه‌های حیات یک انسان در آن دوره - چه در دوران نوجوانی و کودکی، چه در دوران بعد از ازدواج - هر کدام یک درس است؛ نه فقط درس است برای شما بانوان، بلکه برای همه‌ی بشریت درس است. بنابراین این اقتران برای ما یک فرصت است؛ در زندگی فاطمه‌ی زهرا باید دقیق شد، با نگاهی نو آن زندگی را شناخت، فهمید و به معنای واقعی کلمه آن را الگو قرار داد.

و اما راجع به مسئله‌ی زن در نظام جمهوری اسلامی و در کشور ما و جامعه‌ی ما. اولاً من عرض بکنم در هنگامی که به همین مناسبت غالباً بنده مواجه میشوم با بانوان مسلمان، زنان مؤمن و تحصیل کرده، خدا را عمیقاً شکر میکنم؛ واقعاً این یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه‌ی نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه‌ی ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه‌ی افتخار است. حالا امروز که فقط این خانم محترم صحبت کردند، لکن جلسات متعددی ما داشتیم که خانمها متعدّد صحبت کردند؛ هر کدام که بیاناتی را ابراز کردند، یک دریچه‌ای از نگاه نو، فکر نو به روی ذهن انسان گشوده میشد. تربیت این همه انسان والا، برجسته و خوش فکر یکی از بزرگ‌ترین افتخارات نظام اسلامی است. امروز وقتی ما نگاه میکنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعددی - کتابهای علمی، کتابهای پژوهشی، کتابهای تاریخی، کتابهای ادبی، کتابهای سیاسی، کتابهای هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته‌ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتابها - نوشته‌های بانوان ما است، که این واقعاً مایه‌ی افتخار است. در تاریخ ما بی‌سابقه است؛ ما دوره‌های گوناگون را دیدیم، آشنا هم بودیم با فضای فرهنگی کشور؛ ما هرگز این همه انسان برجسته‌ی در زمینه‌های مختلف - چه در مسائل حوزوی، چه در مسائل دانشگاهی - نداشتیم. در کنار اینها، بروز و ظهور کاملاً برجسته‌ی هویت و شخصیت مستقل زن ایرانی، در عرصه‌ی مجاهدتها، از جمله در دفاع مقدس و دنباله‌های آن تا امروز؛ این همه همسران شهدا، همسران جانبازان، مادران شهیدان، بازماندگان برجسته‌ی کسانی که رفتند جانشان را در راه خدا دادند و اینها با اراده‌ی محکم، عزم راسخ و با صبر، هر انسانی را در مقابل خودشان خاشع و خاضع میکنند. بنده که حقیقتاً هروقت با این زنان برجسته مواجه میشوم، در مقابل آنها احساس خضوع میکنم. بنده زیاد برخورد میکنم با



مادران شهیدان، با همسران شهیدان، با همسران جانبازان: این بانوی فداکاری که یک عمر زندگی خودش را میگذارد برای مدیریت کردن و بهبود بخشیدن به زندگی یک معلول و جانباز، برای خاطر خدا؛ این چیز کوچکی نیست، اینها به زبان آسان است. آن مادری که دو فرزند، سه فرزند، چهار فرزند را در راه خدا داده و همچنان محکم ایستاده، به ما سفارش میکند که بایستید؛ محکم باشید! انسان واقعاً در مقابل این همه عظمت احساس خشوع میکند. اینها واقعیتهای زنانه‌ی جامعه‌ی ما است که بسیار افتخارآمیز و مهم است. خب بحمدالله این، آن بخش روشن و درخشان مسئله‌ی زن در کشور [است].

و اما مسئله‌ی زن در دنیای امروز و از جمله در کشور ما، یکی از مسائلی است که به جهات مختلف همچنان درخور پیگیری و تأمل و کار و فکر است. اولاً نیمی از جمعیت کشورها زنان هستند؛ چگونه میتوان به شکل سالمی از این امکان و استعداد عظیم به نفع هر کشوری، از جمله کشور ما استفاده کرد؟ ثانیاً مسئله‌ی جنسیت که یکی از حساس‌ترین و ظریف‌ترین مسائل آفرینش است، چگونه میتواند در خدمت تعالی انسان قرار بگیرد، نه در خدمت انحطاط بشر و انحطاط اخلاقی؟ ثالثاً به خاطر تفاوت‌های طبیعی‌ای که بین جنس زن و جنس مرد وجود دارد، چگونه میتوان - چه در محیط اجتماعی، چه در محیط خانواده - رفتاری را نهادینه کرد و غیرقابل اجتناب کرد که به زن ظلم نشود؟ اینها مسائل خیلی مهمی است. اگر ما همین دو سه مسئله را محور فکر و تأمل و بحث و کار قرار بدهیم، یک مجموعه‌ی تلاش و کار مطالعاتی و تحقیقی و عملی را به دنبال خود خواهد آورد. این مسئله‌ی ظلم به زنان را کسی خیال نکند که مخصوص جوامع عقب افتاده یا جوامع مثلاً فرض کنید وحشی [است]؛ نه، در جوامع به اصطلاح متمدن امروز، این ظلم به جامعه‌ی زنان اگر بیشتر از جوامع دیگر نباشد، قطعاً کمتر نیست. خب اینها مسائل مهمی است؛ اینها باید رسیدگی بشود، به اینها باید پرداخته بشود.

مطالب خوبی در بیانات خانم بود؛ عمده‌ی حرفهایی که در ذهن انسان هست، ایشان در بیاناتشان ذکر کردند. ایشان گفتند که ما قبلاً گفته‌ایم در کشور یک مرکز عالی فراقوه‌ای مورد نیاز است که راجع به این مسئله‌ی مهم بحث کند، کار کند. این مسائل، مسائل اساسی ما است؛ مسئله‌ی زن و مسئله‌ی خانواده که البته مسئله‌ی زن از مسئله‌ی خانواده قابل تفکیک نیست. این را هم عرض بکنیم، اگر چنانچه کسی بخواهد مسئله‌ی زن را جدای از مسئله‌ی خانواده بحث بکند، دچار اختلال در فهم و در تشخیص علاج خواهد شد؛ این دو را باید در کنار هم دید، با اینکه دو مسئله است. خب، مرکز اینچنینی لازم است که البته تاکنون هم تشکیل نشده؛ گفتیم ما، مطرح کردیم؛ چنین مرکز مطالعاتی و کاری که یک راهبرد صحیح و همه‌جانبه را درباره‌ی مسئله‌ی زن - ناظر به همان موضوعاتی که عرض شد و برخی موضوعات دیگر - بررسی کند و دنبال کند و اجرایی کند، نداریم؛ این مرکز باید به وجود بیاید و البته الزاماتی هم دارد.

آنچه من امروز عرض میکنم به شما، دو سه نکته است: یک نکته اینکه اگر ما میخواهیم - چه در همین مرکزی که اشاره شد، چه در هر نقطه و دستگاه دیگری - درباره‌ی مسئله‌ی زن درست فکر کنیم و درست حرکت کنیم و دچار خطا نشویم، باید ذهنمان را از حرفهای کلیشه‌ای فرآورده‌ی غربی‌ها بکلی خالی کنیم. غربی‌ها نسبت به مسئله‌ی زن بد فهمیدند، بد عمل کردند و همان فهم بد و غلط و عمل گمراه‌کننده و مهلک خودشان را به صورت سکه‌ی رایج در دنیا مطرح کردند. علیه هر کسی هم که بر ضد نظر آنها حرف بزند، دستگاه تبلیغاتی وسیع آنها هوجبگری میکنند، مجال حرف زدن هم به کسی نمیدهد. اگر میخواهید درباره‌ی مسئله‌ی زن راهبرد درست را پیدا کنید و این راهبرد را با اجرائیات و الزامات اساسی آن همراه کنید و در بلندمدت پیش بروید و به نتیجه برسید، باید ذهنتان را از تفکرات غربی در مورد زن تخلیه کنید. نمیگویم بی اطلاع بمانیم، نه؛ ما طرفدار بی اطلاعی نیستیم، بنده طرفدار آگاهی و آشنایی هستیم، اما مرجعیت آن افکار را بکلی رد کنیم. افکار غربی‌ها، نظرات غربی‌ها، در زمینه‌ی مسئله‌ی زن مطلقاً نمیتواند مایه‌ی سعادت و هدایت جامعه‌ی بشری باشد. اولاً تفکرات آنها، تفکراتی است مبتنی بر معرفت‌شناسی



مادی و غیرالهی، که این خودش یک غلطی است. هر دستگاه علمی و فکری که بر پایه‌ی معرفت مادی و اعتقاد مادی باشد، طبعاً غلط است. نگاه به حقایق آفرینش را بایستی با نگاه معرفت‌شناسی الهی، با اعتقاد به وجود خدا، با اعتقاد به قدرت خدا و حضور الهی و ربوبیت الهی شناخت و فهمید و دنبال کرد. پس پایه و ریشه و اساس تفکرات غربی‌ها چون مادی است، غلط است. این یک دوّم اینکه در رویکرد غربی به مسئله‌ی زن - همچنان که در تاریخ انقلاب صنعتی، انسان بروشنی می‌بیند - یک نگاه کاسب‌گرانه و مادی و اقتصادی دخالت داشته است. یعنی در اروپایی که زن حق مالکیت نداشت و مایملک زن متعلق به مرد و شوهرش بود، و حق تصرف در مایملک خود نداشت یا از وقتی که دموکراسی در غرب راه افتاده بود زن حق رأی دادن نداشت، در یک چنین دنیایی ناگهان مسئله‌ی انقلاب صنعتی و کارخانجات و حضور مؤثر شاغل زن در کارخانجات با خرج کمتر برای سرمایه‌دارها مطرح شد. آن وقت آمدند برای زن حق مالکیت قائل شدند، برای اینکه بتوانند او را به کارخانه بکشانند، به او مزد کمتری بدهند، و طبعاً آمدن او به میدان اشتغال الزامات خودش را داشت و دنباله‌های خودش را تا امروز داشت. بنابراین علاوه بر اینکه نگاه به زن یک نگاه غیرالهی و مادی است، اساساً سیاست‌هایی که بر اساس آنها، وضعیت کنونی در اروپا عمدتاً و در دنیای غرب پیش آمده است، با یک نگاه کاسب‌کارانه و مادی و اقتصادی همراه بوده.

یک جهت دیگر در اینکه ما بایستی از نگاه غربی در مسئله‌ی زن پرهیز کنیم، این است: در نگاه غربی زن وسیله‌ای برای اطفای شهوت است؛ این غیر قابل کتمان است. این را اگر کسی ادعا بکند ممکن است کسانی جنجال کنند که نه آقا این جور نیست؛ لیکن زندگی آنها را که انسان نگاه میکند، اساساً این نگاه حاکم است. در محیط اجتماعی هرچه زن پوشش کمتری داشته باشد، مطلوب‌تر است. در مورد مرد این حرف را نمی‌زنند؛ در مهمانی رسمی، مرد بایستی با لباس کامل، پاپیون زده و کت و شلوار پوشیده و احیاناً لباس رسمی وارد بشود؛ اما خانمها در این مهمانی‌های رسمی بایستی به شکل دیگری ظاهر بشوند؛ این جز برای اینکه چشم هرزه‌ی هوس‌آلود مرد بهره‌مند بشود، هیچ فلسفه‌ی دیگری و حکمت دیگری ندارد؛ امروز در دنیای غرب این جوری است؛ و عملاً بزرگ‌ترین ظلمی که امروز در دنیای غرب به زنان میشود، از این قبیل است.

بنده اهل بریده پیدا کردن از روزنامه‌ها نیستم، اما دیروز، پریروز بود، یک چیزی در روزنامه دیدم؛ دیدم خیلی چیز مهمی است؛ اینجا آوردم برای شما بخوانم. کتابی از "جیمی کارتر" رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، [منتشر شده] به اسم "تقاضایی برای اقدام" که به موضوع نقض حقوق بشر و تجاوزات وحشتناک علیه زنان پرداخته. جیمی کارتر در این کتاب میگوید: هر ساله صد هزار دختر به عنوان برده در آمریکا فروخته میشود. جایی که صاحب یک روسپی‌خانه میتواند دختری را که معمولاً اهل آمریکای لاتین یا آفریقا است، با قیمتی برابر هزار دلار خریداری کند. وی همچنین به تجاوزات جنسی که در محوطه‌های کالج‌ها رخ میدهد اشاره دارد؛ به جایی که از هر بیست و پنج مورد تنها یک مورد گزارش میشود. کارتر همچنین عنوان میکند که تنها یک درصد از متجاوزان جنسی در ارتش محاکمه میشود. انسان گریه‌اش میگیرد! از این قبیل در روزنامه‌ها زیاد می‌بینید، بنده هم زیاد می‌بینم؛ من هیچ وقت هم به اینها استناد نمیکنم، لکن خب اینها واقعیتی است. جیمی کارتر هم بالاخره یک شخصیت معروفی است و این هم کتاب او است. این چه وضعی است در دنیا؟ این چه جور تکریم زن است؟ نویسنده‌ی نامدار و معروف غربی، کتاب رُمان مینویسد برای شرافتمندانه نشان دادن شغل روسپی‌گری! که البته به فارسی هم ترجمه شده است. البته در این کتاب اشاره به این است که چگونه دلان جنسی، می‌آیند از کشورهای آمریکای لاتین دخترها را با وعده و وعید و فلان برمی‌دارند می‌برند، و می‌فروشند به این مراکز؛ که البته این مربوط به اروپا است، مربوط به آمریکا نیست. البته سعی میشود در این کتاب و این رُمان، که شغل روسپی‌گری یک شغل شرافتمندانه‌ای وانمود بشود. این است فرهنگ غرب نسبت به زن؛ این است احترام اینها نسبت به زن.

اگر می‌خواهیم نگاه ما نسبت به مسئله‌ی زن، نگاه سالم و منطقی و دقیقی باشد، شرط اول آن این است که ذهنمان



را از این حرفهایی که غربی‌ها در مورد زن میزنند - در مورد اشتغال، در مورد مدیریت، در مورد برابری جنسی - باید بکلی تخلیه کنیم. یکی از بزرگ‌ترین خطاهای تفکر غربی در مورد مسئله‌ی زن، همین عنوان «برابری جنسی» است. عدالت یک حق است؛ برابری گاهی حق است، گاهی باطل است؛ چرا باید انسانی را که از لحاظ ساخت طبیعی - چه از لحاظ جسمی، چه از لحاظ عاطفی - برای یک منطقه‌ی ویژه‌ای از زندگی بشر ساخته شده، از آن منطقه‌ی ویژه جدا کنیم، به منطقه‌ی ویژه‌ی دیگری که برای یک ساخت دیگر، برای یک ترکیب دیگری خدای متعال آماده کرده بکشانیم؟ چرا؟ این چه منطق عقلایی دارد، چه دلسوزی‌ای در این هست؟ چرا باید کاری که مردانه است به زن داده بشود؟ این چه افتخاری است برای زن، که کاری را انجام بدهد که مردانه است؟ من متأسفم که گاهی خود خانمها، خود بانوان، روی این مسئله حساسیت نشان میدهند که ما با مردها چه فرقی داریم؟ خوب بله، در خیلی از مسائل هیچ تفاوتی نیست. نگاه اسلام نسبت به زن و مرد، نگاه انسان است؛ در مسئله‌ی انسانیت، سیر مقامات معنوی، استعدادهای فراوان فکری و علمی هیچ تفاوتی نیست، اما قالبها دو قالب است: یک قالب برای یک کار و یک صنف کار است، یک قالب برای یک کار دیگر است؛ البته کارهای مشترکی هم وجود دارد. [آیا] این خدمت است که ما بیاییم یکی از این دو قالب را از منطقه‌ی اختصاصی خودش بکشیم بیرون، ببریم در منطقه‌ی اختصاصی آن قالب دیگر؟ این کاری است که غربی‌ها دارند میکنند. خیلی از این کنوانسیون‌های بین‌المللی و جهانی‌شان ناظر به همین مسائل است. روی این فکر غلط، زندگی بشریت را تباه کردند، خودشان را تباه کردند، دیگران را هم میخواهند تباه کنند. شما خانمها بحمدالله عالمید، فاضلید، برجسته‌اید؛ من احترام میکنم [به شما]. هر وقتی که در جلساتی خانمها صحبت میکنند من استفاده میکنم. در همین جایی که ما نشستیم، جلسه‌ی اندیشه‌های راهبردی بود راجع به مسئله‌ی زن و خانواده؛ چند خانم آمدند صحبت کردند، بدون تعارف حقیقتاً من استفاده کردم، بهره بردم از آن مطالبی که گفتند؛ به نظر من اگر شماها میخواهید برای مسئله‌ی اساسی زن و معضل زن و مشکلاتی که جامعه‌ی زنان در همه‌جا - از جمله در کشور ما - به آن دچارند فکر بکنید، شرط اول آن این است که خودتان را و ذهنتان را باید از تفکرات غربی که یک تفکرات کلیشه‌ای غلط متحجر نونما - ظاهرش نو، باطنش متحجر؛ ظاهرش دلسوزانه، باطنش خائنانه - [است]، خلاص کنید، نجات دهید؛ فکر مستقل از تفکرات غربی بکنید.

الزام دوم اینکه به متون اسلامی مراجعه کنید. واقعاً از قرآن و از سنت و از حدیث و از متون اسلامی و از کلمات ائمه و رفتار ائمه، آن اصول و پایه‌های اصلی را اتخاذ کنید. وحی است دیگر، وحی مال خدا است؛ خدا آفریننده‌ی من و شما است. من نمیگویم هرچه به نام دین در دهانها می‌افتد آدم قبول کند؛ نه، از همان دین صحیح، که با شیوه‌ی درست استنباط و به وسیله‌ی اهل و شایستگان این کار انجام میگیرد، استفاده شود؛ واقعاً از کتاب خدا، از سنت پیغمبر، از روش ائمه‌ی معصومین و از کلمات اینها استفاده بشود، که ما در زمینه‌ی مسائل زنان باید چه راهبردی را اتخاذ کنیم و خطوط اساسی را از آنجا باید اتخاذ کنیم.

به نظر من اینها دو کار اصلی است. یک کار سوّم هم وجود دارد و آن اینکه در احصای (۲) مسائل اصلی زنان، حقیقتاً به مسائل اصلی بپردازیم، نه به مسائل درجه‌ی دو. پرداختن به مسئله‌ی خانواده و بخصوص مسئله‌ی سلامت و امنیت و آرامش و تکریم زن در محیط خانواده، یکی از مسائل اصلی است. ما چند مسئله‌ی اصلی داریم، یکی از آنها این است.

نگاه کنید ببینید عوامل سلب آرامش و سکینه‌ی روحی زن در خانواده چه چیزهایی است؟ دنبال این باشید که با قانون، با روشهای تبلیغی، با روشها و شیوه‌های گوناگون، اینها را برطرف کنید. این، اساس قضیه است. زن در خانه مایه‌ی آرامش است؛ مایه‌ی آرامش مرد، و مایه‌ی آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمیتواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمیتواند کدبانو باشد؛ نمیتواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی که زن، مدیر خانواده است. این



مسئله‌ی اصلی است. این یکی از آن اصلی‌ترین مسائل است، که خب در محیط زندگی ما - چه محیط‌های قدیمی ما، چه محیط‌های جدید ما - چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد.

تصوّر از زن در خانه، تصوّر یک موجود درجه‌ی دویی [است] که موظف به خدمتگزاری به دیگران است؛ این تصوّر بین خیلی‌ها هست - حالا بعضی‌ها به زبان می‌آورند، به‌رو می‌آورند، بعضی‌ها هم به رو نمی‌آورند، اما در دلشان این است - این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. من مکرّر عرض کرده‌ام این حدیث معروف را که «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ (۳) قهرمان، در تعبیرات رایج عربی، به آن کارگزار می‌گویند؛ مثل «امر قهرمانه یکذا»؛ مثلاً فلان صاحب ملک و املاک فراوان به قهرمان خودش، یعنی آن کسی که کارگزار امور این املاک است، گفت؛ به این می‌گویند «قهرمان». در این حدیث می‌گوید: خیال نکن زن کارگزار تو داخل خانه است که باید کارهای خانه را [انجام دهد]؛ این جور نیست. خب ببینید، این خودش یک فصلی است که از آن چندین فصل گشوده می‌شود: مسئله‌ی احترام کار زن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل خریداری شدن این کار یعنی قابل مبادله‌ی با پول؛ این است. اینها چیزهایی است که خب در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ همان‌طور که اشاره کردند ایشان، واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی می‌گیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش می‌کنند، یک چیزهایی را هم به‌خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه‌ی غربی از این‌رو به آن‌رو می‌کنند؛ این را هم دیده‌ایم ما.

بعضی‌ها برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از حقایق احکام اسلامی را، واضحات احکام اسلامی را عوض می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «وَ اِنْ تَطَعْ اَكْثَرَ مَنْ فِي الْاَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنْ يَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ وَ اِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُونَ»؛ (۴) دنباله‌رو فکر رایج در دنیای جاهل و خرافه نباید بود؛ فکر اسلامی را باید پیدا کرد، دنبال آن باید رفت، ولو حالا یک عده‌ای بد بگویند. این هم یک مسئله است؛ بنابراین مسئله‌ی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئله‌ی اصلی، یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است: امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه‌داری برای بروز استعدادها؛ [چیزی] مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود - [برای] کسی که اهل این چیزها است - میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است.

مسئله‌ی اشتغال بانوان، جزو مسائل اصلی نیست. البته ما با اشتغال بانوان مخالف نیستیم؛ بنده خودم نه با اشتغالشان، نه با مدیریت‌ت‌هاشان مخالفتی ندارم، مادامی‌که با آن مسائل اصلی معارضه و تنافی پیدا نکند؛ اگر معارضه پیدا کرد، آن مقدم است. یکی از کارهایی که در این زمینه‌ی سوّم که عرض کردیم باید انجام بگیرد، طبعاً این است که نگاه کنند ببینند آن مشاغلی که متناسب با این خصوصیت زن است چیست. بعضی از مشاغل هست متناسب با ساخت زن نیست، خب اینها را دنبال نکنند. یکی از کارها این است که آن تحصیلاتی را که به آن مشاغل منتهی می‌شود، بر زن تحمیل نکنند. این بحث دانشگاه و تحصیلات و مانند اینها که باز بعضی‌ها جنجال می‌کنند که در تحصیلات تبعیض است، این تبعیض همه‌جا بد نیست. تبعیض آنجایی که ضدّ عدالت باشد بد است. والا فرض کنید وقتی که شما در یک تیم فوتبال، یکی را می‌گذارید مهاجم، یکی را می‌گذارید مدافع، یکی را می‌گذارید دروازه‌بان، خب این تبعیض است دیگر. اگر آن کسی که باید در خط دفاع و ایستد، گذاشتند مهاجم، خب تیم خواهد باخت. آن کسی که باید مهاجم باشد اگر گذاشتند دروازه‌بان که بلد نیست این کار را، خب تیم می‌بازد. این تبعیض است، [اما] این تبعیض، عین عدالت است؛ یکی را اینجا می‌گذارند، یکی را آنجا می‌گذارند، یکی را آنجا می‌گذارند. [پس باید] ببینیم با توجه به آن اهداف بلند چه درسی برای بانوان مناسب است، آن درس را در اختیارشان قرار بدهیم؛ نه اینکه مجبورش کنیم که شما چون در کنکور این‌جوری شرکت کردی، و این‌جوری نمره آوردی، حتماً باید بروی فلان درس را بخوانی، که این درس نه با طبیعت زنانه‌ی او سازگار است، نه با اهداف عالی او سازگار است، نه شغلی که



به دنبال این درس به او داده میشود، متناسب با او است. این چیزها را به نظر من در زمینه‌ی اشتغال زنان باید در نظر گرفت. و خلاصه این را که زن نتواند همه‌ی مشاغلی را که مرد به عهده می‌گیرد به عهده بگیرد، نباید ننگ دانست یا نقص دانست؛ نخیر، آن چیزی بد است که متناسب با طبیعت الهی [نباشد]. این، آن عرایض ما است که البته حالا چیزهای دیگری هم یادداشت کردیم، که به نظر من همین اندازه کافی است.

مسئله‌ی زنان، مسئله‌ی مهمی است؛ بهترین کسانی هم که این مسئله را میتوانند دنبال کنند و حل کنند خود خانمها هستند. و خانم تحصیل کرده و خوش فکر و بااستعداد و خوش قلم و خوش قریحه کم نداریم؛ امروز در کشور ما بحمدالله خیلی زیاد است. عرض کردم؛ هیچ وقت در تاریخ کشور ما این همه زن تحصیل کرده و فرزانه و برجسته ما نداشتیم؛ نه در محیطهای حوزوی، نه در محیطهای دانشگاهی. این همه نویسنده‌ی زن، این همه شاعر زن، این همه محقق زن، پژوهشگر زن، در رشته‌های مختلف نداشتیم؛ خوشبختانه امروز به برکت نظام اسلامی [داریم]. اینها به برکت اسلام است، به برکت جمهوری اسلامی است، به برکت همان نگاه روشن امام به مسئله‌ی زن است، که اشاره کردند. (۵) هیچ وقت ما چنین وضعیتی را در کشورمان نداشتیم. باید خدا را شکر کنیم و از توفیقات او سپاسگزاری کنیم و از او افزایش این توفیق را بخواهیم و شکر این توفیق را بکنیم؛ شکرش هم همین است که عرض کردم: نگاه به رهنمود الهی و سلب نگاه از رهنمودهای مادی که امروز متصدی و مباشر آن هم غربی‌ها و آمریکایی‌هایند که خیلی هم پرویند، خیلی هم طلبگارند، خیلی هم هوچی هستند، و اگر کسی بر خلافشان حرف بزند، هجوم تبلیغاتی هم میکنند، [اما] نباید اعتنا کرد؛ باید انشاءالله پیش بروید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

۱) خانم شهیندخت مولاوردی (معاون رئیس جمهور در امور زنان و خانواده)

۲) شمردن.

۳) نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱

۴) سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۱۶

۵) خانم مولاوردی